



۲۰۱۹/۰۹/۱۱



احسان الله مایار

در ازای واقعیت ها

کودتا ها شکل بدوی جامعه افغانی را در بنیاد چنان تغییر فاحش داد که از شناخت مردم آن بیرون گردانید. از آغاز شیوع این پدیده نکبت تا امروز ده ها هزار انسان بیگناه به دیار نیستی سپرده و یا روی خاک در دشت و دامان افغانستان بوسیده شدند. زیر بناه های اساسی یک جامعه که در مرور سال ها و قرن ها از حال وحشت تا مراحل مدنیت تکوین می کند، بیرحمانه به نیستی و نابودی سرنگون گردید و میهن فقیر ما که از اواخر قرن ۱۸ قدم های لرزان در راه انکشاف یک محیط نسبی سالم می گذاشت تا سال ۱۹۲۹م ختم دوران روشنی امیر امان الله خان به مدارج بلندتر رسیده که یکی و یک بار در ظرف نه ماه حکفرمائی وحشت و بربریت به برپادی کشانیده شد. بار دیگر در اثر زحمات شباروزی مردم و رهنمائی سالم حکام وطن دوست و ملت پرور، افغانستان در قطار جامعه جهانی مقام چشمگیری حائز گردید که با کودتای عده ای از وطن فروشان و خائنین به خاک و مردم در جهنم بدبختی های گوناگون کشانیده شد.

قضا سانه ۲۰۰۱/۹/۱۱م را، سالگرد آن امروز است، در امریکا بار آورد و راحت هیولایی با قدرت ماشینری نظامی از تخیل دور و کشنده امریکا را، مختل نمود.

پلانگذار و عاملین این نکبت عظیم به خاک و مردم امریکا گروه القاعده که در رأس آن یکی از ساخته شدگان دستگاه امریکا به نام اسامه بن لادن قرار داشت تشخیص شد و در هفته اول حدوث این واقعه در حدود ۱۵۰ نفر از اعضای خانواده بن لادن عرب سعودی که در تکزاس با اعضای خانواده رئیس جمهور وقت روابط تجارتي داشتند، با طیاره به میهن شان سالم و بدون دغدغه انتقال داده شد.

عصیانگر اصلی طالبان افغان بنابر اینکه بن لادن مهمان و در خدمت شان بود نام نهاده شد و بایست به سزای اعمال شان می رسیدند و از جمله اشخاصیکه کارگردان و گره کشا در این پروسه مغلق رول بازیگر تراز اول را متعهد گردید آقای زلمی خلیلزاد بود.

جناب محمد نعیم بارز روز ۲۰۱۹/۰۹/۱۰ تحت عنوان "توافقنامه صلح خلیلزاد" مقالی در سایت "آریانا افغانستان آنلاین" نشر نموده که در آن از کرکتر و طرز تفکر و عمق دانش خلیلزاد با واقعیت توضیح داده است که با داشتن چنین داشته های منفی جای تعجب خواهد بود اگر کسی انتظار برده بتواند که در دست آورد های خلیلزاد در این وضع مختل جهانی متاعی نهفته خواهد بود که در تکوین صلح در منطقه خدمتی خواهد نمود.

آقای خلیلزاد یکی از کارگردانان کلیدی کنفرانس بن بوده که با رهبری نماینده خاص سرمنشی ملل متحد، آقای لخصر براهیمی، در بن نظامی را به وجود آورد که رهبران امریکا و مؤتلفین وی آنرا پذیرفته و از شخص گمنامی که هیچگونه سوابق کار اداری، سواء سکرتریت مرحوم حضرت مجددی در پشاور، را دارا بود لیک



نظر به روابط مرموز با منابع خاص مربی وی به نام حامد کرزی در کشور جنگ زده در اریکه قدرت جا داده شد.

قبل از این هنگامه سازی در پیترسبورگ، حومه بُن، طیاره های غول پیکر ب ۱ و ب ۱۵ و راکت های کروس میسل از عرشه کشتی ها در بحر هند و یا پایگاه های نظامی امریکا از مناطق مختلف در هوا بال کشیدند و اهداف تعیین شده توسط ستالایت استخباراتی مراکز جنگی طالبان چنان به هم

کوبیده شدند که کمتر نشانه ای از آنها باقی ماند. کدر رهبری تحریک طالبان و جنگجویان شان در سراسر افغانستان با بم های قوی تار و مار شدند و صدای تقاضای داکتر عبدالله از طریق رسانه ها شنیده می شد که در خواست مینمود تا بمب های بزرگتر، بالاتر از ۱۰۰۰-۲۰۰۰ پونده استعمال کنند تا نطفه طالب و طالب نما ها از روی خاک افغان ها جمع و نابود شوند.

بیشتر از سه هزار جنگجویان جوان طالب از کندز و حوالی آن دستگیر شدند و در داخل کانتینر ها به جنرال جدید انتلافی به نام دوستم در دشت شیر ماهی سپرده شدند تا به سزای اعمال شان برسند.

محبوسین خلاف هر گونه نورم جهانی در داخل کانتینر و بیرون از آن تیرباران شدند و نیمه جان ها و مرده های شان زیر ریگ شدند.

در این حیص و بیص کرزی در کشور مرد اول شناخته شد و دست به کار شد و با همشانه شدن سفیر امریکا در افغانستان، باز هم چهره شناخته شده، خلیزاد، با یک گروه ایکه در خواجه بهاولدین از بیم طالب روز گزرائی می کردند و بنام انتلاف شمال یاد می شدند، با پیگیری دستگاه استخباراتی امریکا و دالر امریکائی (اثر گری شروین، فرست این) از هیچ همه چیز شدند و با رهبر جدید افغانستان در یک قلبه بسته شدند.

بنابر گفته عامیانه ما: " باد شد باران شد، خدا مراد خوشه چین را داد" رهبر جدید با خوشه چین ها دهن جوال را باز نموده از پول عرب و عجم و مربی اصلی پُر نمودند و پول رایج افغانی که در طول جنگ ارزش خود را از دست داده بود و ماهیت کاغذ باطله را داشت لیک به نام پول افغانی و پول دوستمی و غیره یاد می شد، کانتنر وار به پول رایج جدید، یک در برابر یک، تبادل شد.

رئیس جمهور افغانستان پتو و لنگوته را دور افکنده و ترک نمود و مود لباس جدیدی در صحنه سیاسی افغانستان به و جود آورد که وی را خریدار شیک سازان جهانی گردانید. رئیس جمهور کشور فقیر و نادار افغانستان جنگ زده و به خاک برابر در پهلوی همسر رئیس جمهور امریکا در کانگرس جا داده شد و هر بار که اسم وی از زبان رئیس جمهور به سمع وکلای شورای امریکا رسانیده می شد همه به پا می ایستادند و کف می زدند و کرزی به زمینی که بالای آن ایستاده میشد افتخار می بخشید.

مکاتب، شفاخانه ها حتی بازار ها با افتخار به "بوش بازار و لورا بوش شفاخانه و یا هر بوش دیگر" نام نهاده شد و طبقه نسوان افغان راه پارلمان را پیش قدم خویش باز دیدند و نهضت زنان زبانزد قشر خاصی شد.

افغانستان روی رسانه های جهانی مقام بلند بالائی را تصاحب کرد و روزی نبود که رسانه های دسته جمعی خبر صوتی و یا دیدنی از پیاده شدن سریع دیموکراسی و شاخه های مدرن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن در افغانستان به ذهن مردم خبری را القاء کرده نتواند.

مختصر کلام ورود سیل آسای دالر امریکائی چهره شهر های جنگ زده و قری و روستا ها را تغییر داد و افغانستان امروزی را در قطار جامعه جهانی جا داد.

طالبانیکه از دید حکام داخلی و خارجی در کشور نیست و نابود شده بودند، علایم مشخصه نیستی را با یاری و همدستی گروه های هممنظر و همکیش از ذهن خود تکاندند و از حالت مرگ کاذب و بی علاقهگی به تحرک مجدد بیصبرانه در جهش شدند. با عملکرد گونه گون ضد بشری علیه مردمان بیگناه افغان و کشت خون با میتود های تخیف ترس و رعب را در جامعه پهن نموده و در کدر رهبری جنگ در کشور قوت تخریبی خود را آشکار مطرح نمودند.

به خاطر دارم که در حدود ده سال قبل لخصر براهیمی، یکی از طراحان مهم کنفرانس پیترسبورگ بن، ضمن مصاحبه ای در پاریس اذعان نمود که وی در تدویر کنفرانس بن اشتباه بزرگی نموده که اشتراک نمایندگان طالبان را در کنفرانس نادیده گرفته که نبود آنها مشکل امروزی را در کشور بار آورده است. اعتراف براهیمی دال به هدف طالبان می رساند که در نهایت منتج به کنفرانس نه مرحله ای چند ماهه اخیر در دوحه گردید.

ما شاهد پیدایش مجدد خلیل زاد در صحنه سیاست افغانستانیم که با یک تفاوت بزرگ در رهبری آن، شخص اشرف غنی، در رأس قدرت بوده که توانائی علمی، پاکفوسی و وطن دوستی وی به مراتب بلند تر از سلف معامله گر وی بوده و در مبارزه خود مستقیم پویا بوده و بیم ناکامی را در ذهن خود جا نمی دهد.

غنی آینده تگ و دو را در دوحه، ماسکو و دیگر مراکز جهانی با منطق و برهان قوی تعقیب نموده و علیه آن مبارزه می کرد. وی در قدم اول یکی از شخصیت های با دانش اداره خود را، دوکتور حمدالله محب که بعد از ختم وظیفه منحیث سفیر افغانستان در واشنگتن، مشاوریت امنیت ملی حکومت را بعهده داشت به واشنگتن اعزام کرد تا وزارت خارجه و اراکین دولت امریکا را از خطر های اجلاس دوحه و کار گردانی آقای خلیل زاد محذور گرداند. در این مذاکرات صراحت لهجه و ترت گوئی داکتر محب مورد پسند وزرات خارجه قرار نگرفته و داکتر محب از صحنه سیاست افغانستان در عقب صحنه کشانیده شد.

طالبیکه در سراسر افغانستان شب آرام را گذرانده نمی توانست و از هر در ظاهراً رانده شده بودند یکی یک بار از محابس آزاد شدند و در هتل های با ستاره های متعدد پذیرائی شدند و با نماینده خاص وزارت خارجه امریکا، باردیگر آقای خلیل زاد، رو بروی همدیگر قرار گرفتند و به چانه زنی تقسیم قدرت آغاز کردند که اینک ما شاهد دور نهم و احتمالاً ختم آن مذاکرات در دوحه می باشیم.

باید اذعان نمود که قشر ملای افغانستان و یاران وی در پاکستان با ذیرکی خاص از موقف قوی خود در مذاکرات چنان استفاده نمودند که پُر قدرت ترین مرد جهان را متقاعد گردانیدند تا اجلاس سریبی در واشنگتن با وی و نمایندگان طالبان ترتیب دهد و توافقنامه ایکه از نظر حکومت منتخب افغانستان از جمله اسرار مکتوم گذاشته شده بود، احتمالاً به امضاء برساند.

طالبان با حمله اخیر در کابل مرتکب اشتباه بزرگی شد که در اثر آن یکی از عساکر امریکائی کشته شد که در رسانه ها سر و صدا را بلند نمود و این ترور طالبان سرقوماندان امریکا را چنان مشتعل گردانید که مذاکرات ده ماهه و مذاکرات رویارویی سریبی در کمپ دوید را با نشر یک تویتر نیست و نابود کند.

ترمپ قبل از آنکه در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۲۰ ریاست جمهوری در کرولینای شمالی سهم گیرد اعلام نمود که مذاکرات امریکا و طالبان فوت نمود، لیک ساعتی بعد از اظهارات رئیس جمهور، وزیر خارجه امریکا میک

پمپو و انمود کرد که شعله ضعیفی در آتش مذاکرات وجود دارد که احتمالاً دوباره تشدید خواهد گردید. در قبال این دو گزارش ضد و نقیض میتوان نتیجه گیری نمود که بعد از فرونشستن طغیان مذاکرات دوحه دوباره احیاء خواهد گردید با یک تفاوت بزرگ و به نفع ملت افغان و تمامیت کشور، حکومت بر حال و موقف قوی اشرف غنی در قضیه نادیده گرفته نخواهد شد و در نهایت دست آورد های ۱۸ سال ماضی در صدر ارزش ها قرار خواهد گرفت.

همین لحظه چانه زدن های طالبان قربانی اول و مهم خود را در کدر بلند پایه گان اداره رئیس جمهور ترمپ در رسانه ها پخش نمود. این شخص، یکی از تندروان حزب جمهوریت خواه که با بروت های سفید سگ آبی ماندنش در مجالس بالای هر کدام که خلاف نظرش حرکتی می کرد، گستاخانه می تاخت با یک تویتر رئیس جمهور از مقام مشاوریت امنیت ملی برطرف گردید. وی یکی از مخالفین سر سخت مذاکرات صلح با طالبان بوده و چند بار با پمپو، وزیر خارجه و حتی ترمپ در مورد پرخاش نموده است. جان بولتن از مقام قدرت عظیم ملیتاری امریکا پشتیبانی میکرد و با روند مذاکرات ترمپ با رهبر کوریای شمالی و مدارا کردن با حکومت آخندان در ایران و طوریکه در بالا اشاره شد مذاکرات با طالبان انتقاد می نمود. بهر صورت وی رفت و تا جائیکه دیده می شود کار مناسبی شد.

روزیکه جان بولتن بحیث مشاور امنیت ملی تعیین شد در اولین ملاقات با جنرال متیس، وزیر دفاع امریکا با جمله ذیل پذیرائی شد: "شنیده ام که در وجود شما شیطان تجدید تجسم، reincarnation، نموده است". و تا جائیکه اظهار نظر کرده بتوانم این گفته وزیر دفاع سابق امریکا بیراهه نبوده است.

بهر صورت "شری بخیزد که به خیر ما باشد" گفته امید وارم که موفقیت بیشتر نصیب اشرف غنی و مقاومت دلیرانه وی در این موقع حساس و سرنوشت ساز میهن ما، گردیده تا دست های ناپاک از خود و بیگانه را از یخن مردم بیگناه و وطن رنج ها دیده ما رهائی بخشد.

جنگ در وطن ما آستانه چهل سال را پشت سر نهاد و هنوز هم انتهای آن به نظر نمی خورد. قربانی های که این ملت برای آزادی وطن ما با جان و مال خود متحمل گردیده اند از قیاس انسانی خارج است و هر آنکه خود را انسان می داند بایست دست تساند و همبستگی باهم پیش کنند و جنایات شیطانی را با حاکمیت عقل و دلسوزی از بیخ و ریشه رد کنند. و من الله التوفیق